

به مادر زندانی جوان هم تجاوز کردند

بیماران جنسی در مقام "قضاوت" و ضابطین "عدالت"

تجاوز گروهی مأموران جمهوری اسلامی به ترانه موسوی و قتل دلخراش او، آن چنان تکان دهنده بود که وقتی دوستانش این جنایت را افشاء کردند، بسیاری از باور آن سرباززدند. بسیاری از رسانه های گروهی سکوت مغفاداری را نیز پیشه ساختند. اما وقتی سیمای کودتا تلاش کرد ترانه موسوی دیگری را بیابد و کل ماجرا را کتمان کند، ماجرای هولناک ترانه موسوی توجه همگان را به خود جلب کرد. زمانی که مهدی کروبی از کاندیداهای ریاست جمهوری، در نامه ای به رفسنجانی پرده از تجاوزات جنسی برداشت و به این موضوع نیز اشاره کرد، این مسئله هم چون بمبی در سراسر جهان منفجر شد. با تازه ترین افشاگری مهدی کروبی که تلاش های مقامات امنیتی رژیم برای سرپوش گذاشتن بر جنایت هولناکی که بر ترانه موسوی رفته است، را افشاء کرد، مسئله ابعاد تازه ای به خود گرفته است. اما این تمام ماجرا نیست. رسانه های مجازی و خبری اکنون به گزارش ها و حقایق تکان دهنده ای اشاره می کنند. در یکی از تازه ترین این گزارش ها که گفته می شود مستند به تحقیقی پنهان است، آمده است: "به شهادت مهدی، پدرام (اسم مستعار) هم سلولی او بارها مورد تجاوز قرار گرفته و قاضی پرونده، از تجاوز مأموران به پدرام، بوسیله موبایل خودش، فیلمی تهیه کرده و مادر جوان او را تحت فشار گذاشته بود ده میلیون تومان رشوه بدهد تا با یک تعهد ساده، پدرام را آزاد کند. مادر پدرام بعد از تأمین و پرداخت رشوه ده میلیون تومانی به قاضی، مورد سوءاستفاده قاضی قرار گرفته و برای نجات جان فرزندش از دست متجاوزان وحشی، ناگزیر تسلیم خواسته جنسی قاضی شده است."

آن چه در بالا آمد، متأسفانه داستان نیست، واقعیت های هولناکی است که سی سال بر ملت ایران، توسط دینداران حاکم روا می شود. تجاوز جنسی یکی از خشن ترین شکنجه هایی است که در زندان های جمهوری اسلامی مرسوم بوده است. منیره برادران در خاطرات زندان خود، از ظاهره ی زیبا سخن می گوید که به دلیل تجاوز بازجو، دیوانه شد، سودابه اردلان از شخص بازجوی بیشرمی در زندان تیریز در سال 60 سخن می گوید که بطور سیستماتیک به اکثر دخترهای زندانی تجاوز کرده بود؛ حسین علی منتظری در نامه معروفش به خمینی نوشت: "آیا می دانید در زندان های جمهوری اسلامی دختران جوان را به زور تصرف کردند؟" در تمامی کشتارهای سال 60 و اعدام های تابستان سال 67 به دختران جوان باکره، قبل از اعدام تجاوز می کردند؛ پیکر زهرا کاظمی خبرنگار ایرانی - کانادایی را برای این که سند تجاوزشان آشکار نشود، سیمان گرفتند؛ و به گزارش پزشکی قانونی، زهرا بنی یعقوب که در زیر شکنجه به قتل رسیده، در بازداشتگاه بسیج همدان مورد تجاوز قرار گرفته بود. اما علاوه بر این مستندات، اقدام شجاعانه آذرال کنعان است که در جلو دروبین، مسئله تجاوز بازجو در زندان سنندج را بازگو کرد و با این اقدام ستودنی اش، به دیگران پیام داد که با سکوت نمی توان با این شنیع ترین نوع شکنجه مقابله کرد. باید کاری کرد که متجاوزین رسوا و شرمسار باشند نه قربانیان شکنجه. باید با آغوش باز سراغ قربانیان رفت و به آن ها در خروج از انزوای تحمیلی کمک کرد تا خشم و نفرت خود را در افشای جانیمان به کار گیرند. اکنون که بیداری ملی گسترش می یابد؛ حال که یخ های ترس به تدریج آب می شود؛ زمانی که می توان هر خبری را با یک کلیک به سراسر جهان مخابره کرد؛ باید دیوار سکوت را شکست؛ اجازه بهره برداری متجاوزان از "شرم" و "حیای" قربانیان تجاوز جنسی را به آنان نداد و به افشای بیماران جنسی در هر لباسی همت گمارد. آن قاضی بیشرمی را که ده میلیون رشوه می گیرد و به مادر جوان تجاوز هم می کند باید با نام و نشانی رسوا کرد؛ آن بازجویان بی شرمی را که در سیاهچال ها به دختران و پسران ما تجاوز کرده و می کنند را باید یکایک با نام و نشانی رسوا کرد؛ آن روحانیون بی وجدانی که فتوا و اجازه این تجاوزات جنسی را می دهند، باید به مردم شناساند؛ و با افشاگری های گسترده "هاله ی نور" دور سر این دیوصفتانی که خود را فرشته نشان می دهند را در برابر افکار عمومی، در جلو خانواده و دوستان و فامیلشان و در مقابل دیده گان مردم جهان، از هم درید و زندگی معمولی را بران ها حرام کرد. این متجاوزان و بیماران جنسی مأموران خودسر نیستند؛ آن ها مهره های رژیم هستند که با لباس دین بر دولت مسلط است؛ استبداد دینی خشنی را بر کشور حاکم کرده است؛ با تبلیغات جهنمی اش، رهبرش را نماینده خدا و امام زمان می داند و حکم خود را حکم الهی جا می زند و از این طریق به فریب مسلمانان جهان مشغول است. باید با گسترش این افشاگری پرده قداستی که بر دور استبداد دینی اش کشیده است را از هم درید. باید به مردم جهان و بویژه به مسلمانان جهان و خاورمیانه و آسیای میانه چهره واقعی حکومت اسلامی را نشان داد.